

دوست ارجمند آقای گودزری

با بهانت شادم کرد و از استرگرم گرامرزادان برای مجله «پرستید» سادتم . در سائت هم بید بباری ؟ کتقی توفقی  
که نصیب هم نهندان برون مرزی ماشده اعبارت از این است که بین ۱۰۷۰ و ۱۰۸۰ سال کوفتاری مید سا ندر ، استیک تمنا کند  
دکتر گودزی با ارزادانه بیورسید و بیافریند که مجموع همه اینها چي شک به غنای ادبیات و فرسنگ ملن ما ما افراد . از این روی که  
به کارگرس واره کی تیخ « آواره ، در بدر ، بی وطن ، سرگ وطن گوده گومانند آن برای این گروه بسیار ناجا و  
زنده است ، بوزه اگر خودمان چندین بگوشیم ...

دانا نوشته اید دوست دارم « اگر فرزندم درسم ، را داداشه با سید ، نسخه ای را که فرستادم ، پس نفرسید بن  
خودم آنرا از ایران خوام خوب است و اگر هم بگریزند ، نسخه ای که از آن برای پیم فرستادم ، موجود است یا تقدیم  
با تراثت <sup>دختر</sup> سیده ای خوانسته اند عکس را برای مجله «پرستید» که به بیروت می فرستم . اما نه  
برای صفحه عکس یکسرت جلد . راست این است که چند ماه پیش وقتی در آن صفحه که معمولاً ویژه  
اعلان های تجاری و موضوع های غیر مذهبی دیگری است ، عکس دو بزمند و فضل و طون مان : آمان جمال زاده  
۹۵ ساله و مانی و عکس نو سنده ای هم در ایران را دیدم ، فیلس نداشت شدم . بنظرم رسید که عنوان  
عکس بر عکس در صفحه داخل است جلد ، برای جبهه های ادب دین حاضر اید آنا سید نیست . حواسم  
مانند یک خواننده مجله تنظیم را بنویسم ، اما کتایمی کردم تا این که «قرعہ خال بنام من ... رو زند»  
سال ۱۳۵۰ مجله «فرزادان ایران» که دوسری نیاشد ، چنین کار کرد ، فتهاروی جلد . که  
در شماره ای بیگن نشد موسی زاله را به طرفی بیوشاند که خنده دار بود . اسات فکی می کنم اگر عکس  
من نیاشد ، شاید بید شعرا خوانند خوانند .

خویش می کنم سلام و درود گرم و صمیمانه ام را به هم اداره کنند مال "پر" برسانید . اگر روزتم  
میس که در زندگی شخصی دکا رسدند اقبامی - نزد خودمان بیورسید با سید .  
بلای صمیمانه دوست داشتن  
گراه  
نزدک ۳۱ ژانویه ۱۹۸۸